

# در حاشیه لایحه تفکیک وظایف

۵/۶ میلیون هکتار به صورت آبی و ۵/۹ میلیون هکتار آن به صورت دیم می باشد که در طول ۱۰ سال گذشته یعنی از سال ۵۸ تا سال ۶۷ وسعت زیربخش زراعت حدود یک میلیون هکتار کاهش یافته است. یعنی از ۱۷/۸ میلیون هکتار در سال ۵۷ به ۱۶/۹ میلیون هکتار در سال ۶۶ رسیده است. این در حالی است که واردات بخش کشاورزی هر سال هزینه ارزی بیشتری را به خود اختصاص می دهد. و موجب گردیده است که مواد غذایی از ۱۰۳۱ میلیون دلار در سال ۵۷ به ۲۰۷۰ میلیون دلار در سال ۶۳ برسد.

در مورد مراتع کشور باید گفت که وسعت آن از ۱۰۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۵۲ به ۹۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۱ و ۸۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۸ و ۸۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۸ رسیده است که تخریب سالانه ۱/۵ میلیون هکتار از مراتع کشور را نشان می دهد. کاهش وسعت مراتع و تخریب آنها از یک طرف و عدم تأمین علوفه در زیربخش زراعت از طرف دیگر موجب واردات ۱۹۰۷ تن علوفه در سال به کشور شده است که بیانگر عدم رسیدگی به این مورد می باشد.

همین عوامل است که تبلیغات رادیو در جهت کشتار بیشتر دام توسط عشایر می باشد تا مراتع بیشتر از این دچار تخریب نگردند و در کنار این مسایل واردات سالانه ۱۱/۴ میلیارد ریال گوشت وابستگی کشور را بیشتر نشان می دهد و در مورد جنگلها نیز باید گفت وسعت جنگلها از ۱۸ میلیون هکتار در سال ۱۳۴۲ به ۱۲/۷ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۶ کاهش یافته است. در طول سالهای گذشته ۱/۵ میلیون هکتار از جنگلهای شمال کشور نابود شده است که توانایی تولید سالانه ۵ میلیون متر مکعب چوب را داشته است.

البته وسعت و نارسایی بخش کشاورزی تنها به موارد فوق خلاصه نمی شود، زیرا در ترویج نیز طی ۲۵ سال گذشته با کاهش مروجین روبرو

خدماتی و صنعتی و همچنین مراکز روستایی متناسب و مساعد در منطقه.

- اتخاذ تدابیر لازم و نیز صدور پروانه و در صورت لزوم پیشنهاد و اعطای وام از طریق مؤسسات اعتباری برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی اولیه کشاورزی و صنایع کوچک و همچنین نظارت بر صنایع دستی روستایی در روستاها و روستا شهرها و مشارکت در آن صنایع به وسیله شرکتها و اتحادیه های صنایع روستایی و بخش خصوصی برحسب مورد

- ایجاد، نوسازی و توسعه ساختمان های عمومی روستاها- شهرها و حوزه های عمرانی و همچنین خانه های سازمانی روستا، شهرها و کمک به اجرای برنامه های مسکن روستاییان از طریق وام و کمک بلاعوض و تجهیز منابع محلی با مشارکت و خودیاری مردم.

- تنظیم برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت و اجرای آن از طریق بانک های استان و سایر بانک ها در قالب اعتبارات مصوب مملکتی

وظایف فوق در دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی به منظور دستیابی به اهداف ذیل است: فراهم آوردن شرایط فنی، عمرانی و تدارک تسهیلات لازم برای هدایت و حمایت روستاییان، عشایر و سایر مولدان در بخش کشاورزی در بکارگیری منابع مستعد و بهره برداری علمی و اصولی از امکانات و استعدادها موجود به منظور افزایش سطح عملیات و رشد میزان عملکرد در زمینهای

- تسریع جریان تولید و توسعه آن  
- توسعه تکنولوژی جدید از طریق تحقیق، آموزش و ترویج  
- تهیه، تدارک و توزیع نهاده ها، مواد، ابزار و خدمات مورد نیاز تولیدکنندگان.

ب- امکانات موجود در بخش کشاورزی و عدم استفاده مطلوب از آن  
بخش زراعت با ۱۶/۹ میلیون هکتار وسعت،

اگر بخواهیم وسعت بخش کشاورزی را به منظور تقسیم یا عدم تقسیم فعالیت های آن مورد بررسی قرار دهیم لازم است به دو مسئله توجه نماییم.

الف- وظایف اساسی مربوط به بخش کشاورزی

ب- امکانات موجود در بخش کشاورزی و عدم استفاده مطلوب از آن

الف: فعالیت های مربوط به بخش کشاورزی و عمران روستایی در محدوده وظایف دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی شامل موارد ذیل است.

- بررسی و تدوین برنامه های کشاورزی و عمران روستایی منطقه که هماهنگ با سایر برنامه های استان و در قالب سیاست های اقتصادی و برنامه های عمرانی کشور می باشد.

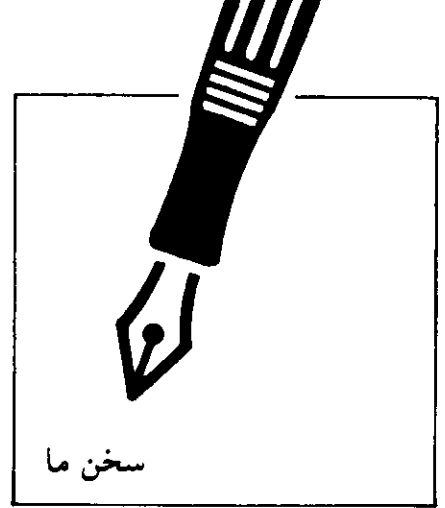
- اجرای قوانین مربوط به حاکمیت و تصدی آب کشاورزی از محل تخصیص آب برای کشاورزی و مزرعه و ایجاد شبکه آبیاری و زهکشی مربوط به آن

- اجرای قوانین مربوط به حاکمیت و تصدی خاک و اراضی زراعی بایر خارج از شهرها، اراضی جنگلی، اراضی مستعد ساحلی و جنگلها و مراتع و بیشه های طبیعی و حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درختان  
- تشویق و تجهیز بخش خصوصی و تأمین مشارکت مردم در اجرای برنامه های کشاورزی

- ایجاد و توسعه راههای فرعی، از مراکز دهستان و روستاها به شهر و به شبکه راههای اصلی و فرعی کشور

- ایجاد، توسعه، نگهداری و مدیریت شبکه برق روستایی و برق کشاورزی

- اجرای اصل نوسازی روستاها از طریق مدیریت و مباشرت در طرح، ساختمان و نگهداری تأسیسات زیربنایی حوزه های عمرانی و شهرهای روستایی چند منظوره کشاورزی،



## سخن ما

بوده‌ایم. یعنی از سال ۴۲ که مروچین ۲ هزار نفر بودند به یک هزار نفر در سال ۶۵ رسیده است و در طول ۱/۴ قرن که آموزش در کشورهای جهان سوم از اهمیت بالایی برخوردار بود مروچین کشور، به نصف کاهش یافته‌اند.

امروز در کشور ما ۱۴۴ میلیون هکتار خاک کشور در معرض فرسایش است که عده‌ای از کارشناسان هزینه ریالی آن را با درآمد سالانه نفت برابر می‌دانند.

در مورد مراتع نیز از ۱۲۵/۶ میلیون هکتار مرتع کل کشور که ۱۴ میلیون هکتار آن مراتع غلفی و ۶۰/۳ میلیون هکتار مراتع متوسط و ۵۱/۴ مراتع ضعیف در سال ۵۴ به ۹۰ میلیون هکتار در حال حاضر رسیده است که این کاهش در مراتع ضعیف می‌باشد و بخشی از تخریب آن توسط شن‌های روان صورت می‌گیرد.

در مورد بعضی از محصولات زراعی و افزایش واردات آنها باید گفت طی سال‌های ۵۶ تا ۶۶ گندم ۲/۵ میلیون تن، جای ۱۹/۵ هزار تن قند و شکر ۲۳ هزار تن، برنج ۵۸۳ هزار تن، روغن نباتی ۲۹۴ هزار تن افزایش واردات داشته است که البته بخشی به منظور افزایش مصرف به دلیل رشد جمعیت بوده است. آنچه از وظایف و نارساییهای بخش کشاورزی بیان شد به منظور اثبات چند مورد است:

الف- بخش کشاورزی وسعت زیادی دارد، بطوری که یک وزارتخانه نمی‌تواند مسئولیت هدایت آن را به عهده گیرد. ب- روند پیشرفت بخش کشاورزی نسبت به روند رشد جمعیت کاهش یافته است که بیانگر افزایش وابستگی است. ج- سیاست‌های بکار گرفته شده و فعالیت‌های انجام یافته تاکنون نتوانسته در رشد تولیدات بخش کشاورزی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بگذارد تا نیازهای غذایی جامعه را برطرف نماید. اگر این روند همچنان ادامه باید آینده تاریکی در انتظار نسل بعدی است.

● با تقسیم زراعت به وزارت کشاورزی و دام و منابع طبیعی به وزارت جهاد سازندگی توزیع فعالیت‌ها جهت بهینه‌تری بخود می‌گیرد. چنین تقسیمی نه تنها موجب کاهش وسعت کار وزارت کشاورزی می‌شود و زمینه را برای توسعه بخش زراعت - که سالانه میلیون‌ها دلار ارزش را صرف واردات محصولات آن می‌کنند - مساعدتر خواهد کرد، بلکه موجب بهبودی وضع دام، مرتع، جنگل و به دنبال آن کاهش صرف ارز به واردات گوشت، جلوگیری از پیشروی کویر، وسعت جنگل‌های کشور و افزایش درآمد ارزی ناشی از آن خواهد شد.

● وزارت جهاد سازندگی توانسته است ۱۶۰۰۳/۷ میلیون متر مکعب آب استحصال کرده و از این طریق اراضی زیر کشت آبی را از ۶۷۴ هزار هکتار به ۱۱۵۹ هزار هکتار برساند.

● طی سال‌های ۵۶ تا ۶۶، گندم ۲/۵ میلیون تن، چای ۱۹/۵ میلیون تن، قند و شکر ۲۳ هزار تن، روغن نباتی ۲۹۴ هزار تن افزایش واردات داشته است.

کشاورزی به علت وسعت آن بین چند وزارتخانه تقسیم شده است. کشورهای مانند شوروی و سومالی چهار وزارتخانه و کشورهای سری لانکا، چین، فیلیپین، کنگو، آفریقای جنوبی، زیمبابوه، اندونزی سه وزارتخانه را مسئول رسیدگی به بخش کشاورزی نموده‌اند و همچنین می‌توان گفت هر کشور براساس وضعیت خاص خود زیربخش‌های کشاورزی را از یکدیگر جدا نموده است. بنابراین چه اشکالی دارد در کشور ما که بخش کشاورزی سالهاست قسمت عظیمی از درآمد ارزی کشور را نمی‌تواند استحصال کند و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای جامعه باشد. طوری تقسیم شود که در جهت خودکفایی و نیز ارزآوری حرکت کند و چه وزارتخانه‌ای فعال‌تر، مردمی‌تر و معتبرتر از وزارت جهاد سازندگی که با چند سال سابقه توانسته است اثرات مثبتی در بخش کشاورزی بوجود آورد.

برای اثبات این موضوع لازم است ابتدا اهداف و وظایف وزارت جهاد سازندگی که از طرف مجلس شورا اسلامی به تصویب رسیده است بیابیم، سپس قسمتی از عملکرد این وزارتخانه را بیان نمایم تا مشخص گردد آیا وظایف محوله با عملکرد هماهنگی دارد؟ آیا با

اگر بخواهیم تفکیک وظایف در بخش کشاورزی در کشورهای دیگر را مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم از ۸۹ کشور جهان، ۵۸ کشور آن یعنی اکثریت قابل ملاحظه‌ای در بخش کشاورزی دو یا چند وزارتخانه دارند.

کشورهایی مانند اندونزی، اوگاندا، گینه، کامرون و... کشاورزی را از دامداری جدا کرده‌اند و کشورهای مانند چین، ژلاندنو، الجزایر، ترکیه، یونان و... کشاورزی را از منابع طبیعی جدا کرده‌اند.

اساساً اینگونه تفکیک وظایف بیشتر به دلایل ذیل انجام می‌شود:

- وضعیت جغرافیایی و طبیعی هر کشور  
- کسب درآمد ارزی فراوان از یک زیربخش  
- وسعت بخش کشاورزی و مشکلات ناشی از آن

بنابه دلایل فوق کشور ما یک وزارت مستقل برای نفت دارد و کشور ایتالیا وزارت جهانگردی دارد و کشور شوروی وزارت میوه و سبزی دارد. تعداد کشورهای که بخش کشاورزی را بین چند وزارتخانه تقسیم نموده‌اند ۶۵ درصد هستند و توزیع زیربخش‌های کشاورزی بین چند وزارتخانه بیان‌کننده این مطلب است که بخش

وجود اختلاف زیاد بین نوع وظایف از عملکردی چشمگیر برخوردار بوده است؟ برای بیان این منظور ابتدا به اهداف و وظایف این وزارتخانه می‌پردازیم که در تاریخ ۶۲/۹/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۶۲/۹/۱۷ مورد تأیید شورای محترم نگهبان قرار گرفت.

## فصل اول

ماده ۱- وزارت جهاد سازندگی با اهداف ذیل تشکیل می‌گردد.  
الف- حرکت به سوی استقلال و خودکفایی کشور با تلاش در جهت بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی روستاها و مناطق عشایری از طریق توسعه کشاورزی، دامداری، صنایع روستایی و بازسازی ویرانی‌ها با همکاری دستگاه‌های اجرایی مربوطه و انتشار مختلف مردم.  
ب- ایجاد زمینه جهت رشد شخصیت والای انسانی روستاییان از طریق مشارکت و نظارت

آنان در فعالیت‌های روستایی.

ج- بسیج اقشار مردم جهت سازندگی روستاها و فراهم کردن امکان تلاش برای نیروهای مؤمن و اینارگر جامعه ورشد و تکامل آنها.

## فصل دوم- وظایف

ماده ۲- وزارت جهاد سازندگی موظف است ضمن هماهنگی با وزارت کشاورزی فعالیت‌های خود را با شرایط مناسب و امکانات لازم برای رشد تولید کشاورزی و دامداری متمرکز نماید.  
ماده ۳- وزارت جهاد سازندگی موظف است در محدود وظایف خود در ارائه خدمات به روستاها زمینه‌هایی را که موجبات رشد تولید و درآمد روستاییان را فراهم آورد، اولویت دهد.  
ماده ۴- کلیه وظایف عمران روستایی وزارت کشاورزی و عمران روستایی مندرج در قانون «تغییر نام وزارت کشاورزی و منابع طبیعی به وزارت کشاورزی و عمران روستایی و تجدید سازمان کشاورزی کشور» مصوب ۱۳۵۶/۳/۱

مجلس شورای ملی سابق به جهاد سازندگی واگذار شده و از این پس وزارت کشاورزی و عمران روستایی، وزارت کشاورزی نامیده می‌شود و کلیه اعتبارات و امکانات و سازمان‌هایی که در رابطه با وظایف عمران روستایی فعالیت می‌نمودند از این وزارتخانه منتزع و به جهاد سازندگی واگذار می‌گردد.

تبصره- سازمان امور عشایر (دامداران متحرک) وابسته به وزارت کشاورزی با تمام امکانات موجود از وزارت کشاورزی منتزع و به جهاد سازندگی وابسته می‌شود.

ماده ۵- سایر وظایف وزارت جهاد سازندگی عبارت است از:

۱- برنامه‌ریزی و احداث و نگهداری ابنیه و تأسیسات عمومی خدماتی مورد نیاز روستاها و مناطق عشایری شامل حمام، کشتارگاه، رختشویخانه، غسالخانه و لوله‌کشی آب آشامیدنی با مشارکت مردم.

تبصره ۱- لوله‌کشی آب آشامیدنی روستاهای تا ۱۵۰ خانوار با رعایت استانداردهای مورد قبول وزارت بهداشتی به عهده جهاد سازندگی است.

تبصره ۲- در مورد سایر ابنیه و تأسیسات عمومی خدماتی مورد نیاز روستاها و مناطق عشایری مانند مدرسه و درمانگاه جهاد با درخواست وزارتخانه‌های مربوطه با آنها همکاری نموده و در اجرای این طرح‌ها جهاد به عنوان مجری اولویت دارد.

۲- برنامه‌ریزی، احداث و نگهداری راه‌های روستایی کشور شامل راه‌های روستا به روستا، روستا به مرکز دهستان و راه‌ها و گذرگاه‌های عشایری.

۳- طرح و تهیه نقشه لازم و احداث و گسترش خطوط فشار ضعیف شبکه برق روستاها و برق کشاورزی با هماهنگی وزارت نیرو.

۴- طرح و تهیه نقشه لازم و احداث و گسترش خط فشار متوسط به درخواست وزارت نیرو در توافق جهاد.

جدول شماره ۱: وضعیت گندم دیم تحت حمایت وزارت جهاد سازندگی و گندم آبی تحت حمایت وزارت کشاورزی طی سال‌های ۵۸، ۶۳، ۶۶

سال	۵۸	۶۳	۶۶
واحد:			سطح: هزار هکتار
تولید:			هزار تن
جهاد	کشاورزی جهاد	کشاورزی جهاد	کشاورزی جهاد
سطح زیر کشت	۲۲۶۳	۳۷۷۳	۲۳۳۰
عملکرد در واحد سطح کیلو	۷۱۲	۱۷۷۶	۱۹۶۴
کل تولید	۲۳۴۴	۲۴۱۳	۴۵۷۵

● با انتقال زیربخش آبزیان و شیلات به وزارت جهاد سازندگی بنابه نظر حضرت امام(رض) شاهد رشد و شکوفایی سریع این زیربخش کشاورزی بودیم به نحوی که جمع کل صید از ۱۴۴ هزار تن در سال ۶۶ به ۳۰۳ هزار تن در سال ۶۸ رسید که بیش از صد درصد افزایش داشته است.

● در زمینه ترویج، طی ۲۵ سال گذشته با کاهش مروجین روبرو بوده‌ایم، یعنی تعداد مروجین از سال ۶۵-۴۲ از ۲ هزار نفر به یک هزار نفر رسیده است یعنی در طول ربع قرن اخیر که آموزش در کشورهای جهان سوم از اهمیت بالایی برخوردار بوده مروجین کشور به نصف کاهش یافته است.

● تولید محصولات مختلف علوفه که تحت حمایت وزارت جهاد سازندگی بوده است، روندی صعودی داشته است چنانچه از ۴/۳۶ میلیون تن در سال ۵۸ به ۵/۷ میلیون تن در سال ۶۳ و ۹/۱ میلیون تن در سال ۶۶ رسیده است.

آنچه از جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت وسعت سطح زیر کشت با رشد فزاینده گندم دیم که تحت حمایت وزارت جهاد سازندگی است. در مقابل وسعت سطح زیر کشت با رشدی کاهنده‌ی برای گندم آبی در وزارت کشاورزی می‌باشد، با توجه به اینکه برای زمین‌های دیم امکان تولید هیچ محصولی وجود ندارد و یا احتمال آن کم است. در حالی که برای زمین‌های آبی می‌توان هر محصولی را کشت کرد. در مورد عملکرد نیز کشت گندم آبی حدود ۲/۵ برابر کشت محصول گندم دیم واحد هکتار را بیان می‌کند که با توجه به هزینه‌های بالا در کشت آبی و امکان تولید دیگر محصولات که در مقابل گندم وجود دارد.

لازم به تذکر است کشت گندم دیم در طرح سنابل ۱ و ۲ وسعت بیشتری را به خود گرفت و در تولید کل گندم تحت حمایت دو وزارتخانه تفاوتی معادل ۱۵۰۰ هزار تن در هر سال (۵۸، ۶۳، ۶۶) دو وزارتخانه را نشان می‌دهد. در حالیکه برای تولید گندم دیم هیچ هزینه فرضی را دولت متحمل نمی‌شود، اما آیا به جای گندم آبی که زمین، آب، کود، سم، بذر، ماشین‌آلات کشاورزی و... را نیاز دارد می‌توان هیچ هزینه فرضی را در نظر نگرفت. در مورد عملکرد بعضی از

حرکت به سوی توسعه روستایی به وجود آید. البته این مسئله مورد نظر کشورهای دیگر نیز بوده است، بطوری که کشور جهان ۱۹ کشور وزارت توسعه روستایی را از کشاورزی جدا کرده‌اند. براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی آنچه از وزارت جهاد سازندگی خواسته شد توسعه روستایی با اختیارات لازم بود، ولی به مرور زمان بعضی وظایف حذف و به وزارتخانه‌های دیگر محول گردید و این یکی از مشکلات اصلی در بخش اجرایی بود. با وجود چنین مشکلاتی این وزارتخانه در طول سال‌های گذشته توانست فعالیت‌های چشمگیری داشته باشد که قبل از بررسی لازم است یک نمونه آورده شود. حمایت از تولید گندم در فعالیت‌های دو وزارتخانه جهاد سازندگی و کشاورزی می‌باشد. وزارت کشاورزی از گندم آبی که بیشتر در سطح وسیع کشت می‌شود حمایت می‌نماید و وزارت جهاد سازندگی از گندم دیم در زمین‌های شیب‌دار و بدون آب تحت عنوان طرح سنابل ۱ و ۲ حمایت می‌نماید. در سطوح کوچک با زمین‌های شیب‌دار و بدون آب در جدول شماره (۱) میزان تولید گندم تحت حمایت دو وزارتخانه را به تفکیک آورده است.

۵- کمک به لایروبی و مرمت قنات، انهار و استخرهای آبیاری روستاها و همکاری در اجرای طرح‌های آبیاری و برنامه‌ریزی تأمین آب کشاورزی روستاها و مناطق عشایری کشور بنابه درخواست وزارت نیرو.

تبصره- کلیه مفاد قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۶۱/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی در رابطه با وظایف وزارتین نیرو و کشاورزی محفوظ خواهد بود.

۶- بسج امکانات و نیروهای مردمی جهت سازندگی و احیاء روستاها.

۷- اولویت دادن به روستاهای دورافتاده و محروم در رساندن خدمات.

۸- کمک به روستاییان و عشایر در ایجاد و گسترش صنایع، (تبدیلی، دستی، کوچک) در چارچوب سیاست‌های دولت.

۹- شرکت فعال در موارد حساس و ضروری از قبیل جنگ (در چارچوب ضوابطی که شورای عالی دفاع تعیین خواهد کرد) و عملیات امدادی سیل و زلزله در سراسر کشور با استمداد از مردم و ضمن هماهنگی با ارگان‌های ذریبط.

۱۰- کمک به خدمات بهداشتی و درمانی با موافقت وزارت بهداشتی و مناطق روستایی و عشایری.

۱۱- همکاری با نهضت سوادآموزی به منظور ریشه‌کن نمودن بی‌سوادی در روستاها و مناطق عشایری کشور در صورت درخواست نهضت و درحد امکان جهاد در چهارچوب مقررات مربوطه.

۱۲- آموزش اعضاء جهاد در زمینه‌های مهارت‌های لازم به منظور انجام وظایف محوله.

۱۳- تهیه آمار و اطلاعات در زمینه‌های مربوط به فعالیت‌های جهاد در روستاها و مناطق عشایری با همکاری ارگان‌های ذریبط.

هدف از تصویب چنین وظایفی برای وزارت جهاد سازندگی تدوین برنامه‌های هماهنگ بین بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی در سطح روستاها بود تا از این طریق زمینه رشد بیشتر و

سال‌های وزارت جهاد سازندگی بیشترین تلاش در تأمین علوفه دام بوده است. بطوری که براساس آمار عملکرد جهاد در سه سال انتخابی ۵۸، ۶۳، ۶۶ تولیدات جو آبی و دیم، ذرت علوفه‌ای و دانه‌ای، یونجه، اسپرس آبی با تفکیک آورده شده است که بیش از ۴/۳۶ میلیون تن در سال ۵۸ و ۵/۷ میلیون تن در سال ۶۳ و ۹/۱ میلیون تن در سال ۶۶ می‌رسد. محصولات مختلف علوفه که تحت حمایت وزارت جهاد سازندگی تولید شده است روندی صعودی را نشان می‌دهد.

در مورد مراتع باید بیان شود که ۳۰ میلیون هکتار آن در دست عشایر است که حدود ۱/۳ مراتع کشور را شامل می‌شود. فعالیت‌های انجام شده از قبیل تبدیل دیمزارهای بذرکاری و بذرپاشی، بونه‌کاری، کودپاشی، قرق مراتع، ذخیره نزولات آسمانی، تثبیت شن‌های روان در سال‌های ۶۶ و ۶۷ به ترتیب ۲/۳۴۹ و ۴/۲۹۹ هزار هکتار بوده است.

در مورد استحصال آب تا سال ۶۷ با انجام فعالیت‌هایی از قبیل سد بتونی کوتاه بندهای انحرافی، آب‌بندان‌های ذخیره آب، لایروبی و مرمت قنوات، حفر چاه لایروبی انهار و بهسازی چشمه‌ها و... وزارت جهاد سازندگی توانسته است ۱۶۰۰۳/۷ میلیون متر مکعب آب استحصال نماید که از این طریق اراضی زیر کشت آبی را از ۶۷۴ هزار هکتار به ۱۱۵۹ هزار هکتار می‌رساند. در مورد دام نیز فعالیت‌های وزارت جهاد سازندگی ضمن تأمین نیازهای ۲۴ میلیون رأس دام در دست عشایر فعالیت‌های دیگری نیز در زمینه توزیع دام، آموزش، بهداشت و درمان آنها انجام می‌دهد.

با توجه به اینکه دلایل مربوط به وسعت بخش کشاورزی، استفاده از تجربیات کشورهای دیگر بیانگر تقسیم بخش کشاورزی به دو یا چند وزارتخانه می‌باشد. از طرفی وزارت جهاد سازندگی در طول سال‌های بعد از انقلاب توانسته در زیربخش‌های کشاورزی فعالیت چشم‌گیری داشته باشد. ضمن اینکه فعالیت‌های مربوط به صنعت و عمران روستایی را نیز مدنظر داشته می‌توان به این نتیجه رسید که بخش کشاورزی باید تقسیم شود بین دو وزارتخانه که یکی از آنها وزارت جهاد سازندگی است، اما اینکه این تقسیمات چگونه باشد باید مورد بررسی قرار گیرد. اگرچه زیربخش‌های کشاورزی هرکدام به یکدیگر مرتبط هستند اما بعضی از آنها میزان وابستگی‌شان نسبت به یک زیربخش بیشتر از بقیه است.

بخش کشاورزی را می‌توان به زراعت، دام، مرتع، جنگل، شیلات، آب و خاک، تقسیم کرد. در

بین اینها وسعت زراعت و اهمیت آن از نظر ارزش افزوده نسبت به بقیه بیشتر است. به طوری که در سال ۶۸، ۳/۷۳ درصد افزوده بخش کشاورزی را زراعت و بقیه زیربخش سهمی معادل ۷/۲۶ درصد به خود تخصیص داده‌اند. بنابراین وابستگی بین زیربخش‌ها و وسعت آنها را باید در نظر گرفت. از طرفی اگر استدلال یکپارچگی مطرح باشد چگونه است که یکپارچگی دستگاه اجرایی در زمینه منابع طبیعی و جنگل به هیچ وجه باعث جلوگیری تخریب وسیع جنگل‌ها و منابع طبیعی در عمل نگردیده است و در امور دام نیز اختیارات وسیع و مدیریت وزارت کشاورزی تنها مشوق واردات و عدم توجه به تولید و توقف شدید مجتمع‌های عظیم گوشت از قبیل زیاران، لرستان، فارس... گردید که به همین دلیل توسط مجلس به سیستم بانکی منتقل شد ضمن اینکه شرکت سهامی گوشت که بیشترین توجه‌رأه واردات دارد از سال ۵۳ تاکنون حساب‌ها و صورت‌های مالی خود را تنظیم نکرده است تا چه رسد به حساب‌رسی و تنها ۴ سال آن قبل از انقلاب بوده لیکن ۱۲ سال بعد از انقلاب نیز این مشکل نه تنها حل نشده، بلکه ادامه یافته است و اگر در زمینه تولید داخلی (دام) عشایری و دام روستایی و نیز مراکز تحقیقاتی و پشتیبانی گاوهای بومی تحرکات مثبت و چشمگیری صورت پذیرفته است توسط وزارت جهاد سازندگی است و متأثر از بیش توجه به تحقیق و افزایش راندمان و نیز افزایش تولید داخلی در مجموعه مذکور است. همین‌گونه است در زمینه آسزبان و شیلات که این زیربخش از یکپارچگی برخوردار و سال‌ها تحت نظر وزارت کشاورزی بوده است لیکن این منبع ارزی عظیم اقتصادی رشد بسیار بطنی داشته است. لیکن با انتقال آن به وزارت جهاد سازندگی بنابه نظر حضرت امام امت قدس سره‌الشریف شاهد رشد و شکوفایی سریع این زیربخش کشاورزی بودیم به نحوی که جمع کل صید از ۱۴۴ هزار تن در سال ۶۶ به ۳۰۳ هزار تن در سال ۶۸ رسید که بیش از ۱۰۰٪ افزایش داشته است.

نتیجه می‌گیریم در زیربخش‌هایی که یکپارچگی کامل وجود داشته نیز بسیار بطنی حرکت شده است و اگر به صورت علمی و منطقی بخواهیم موضوعات تحلیل کارشناسی کنیم عدم وجود یکپارچگی در کلیه زیربخش‌های کشاورزی دلیل‌کننده‌ها و عدم پیشرفت‌ها و مدیریت‌های پرتوقع و ناتوان نمی‌باشد. اما برای شناخت وابستگی زیربخش‌ها باید گفت در کشور ما دام به مراتب بیشتر وابسته است تا به زراعت. دلایل این مطلب عبارتند از:

- ۱- ترکیب جمعیت دام به گونه‌ای است که ۶۳٪ آن سبک می‌باشد که از نظر تغذیه متکی به مرتع هستند.
- ۲- محدودیت منابع آب و خاک کشور جهت تأمین کل علوفه مورد نیاز تغذیه دام با توجه به اولویت تولید اقلام استراتژیک زراعی.
- ۳- استعداد مراتع جهت پاسخگویی به بخش عمده‌ای از تغذیه دام
- ۴- اقتصادی‌تر بودن تولید فرآورده‌های دامی در سیستم تلفیقی دام، مرتع
- ۵- ضرورت ایجاد زمینه‌های لازم جهت مشارکت دامداران در امر اصلاح مراتع و جنگل‌ها.
- ۶- ضرورت حضور دامداران در سطح مراتع جهت حفاظت از عرضه‌های مرتعی
- ۷- ضرورت اجرای پروژه‌های اصلاح مراتع براساس انواع گیاهان مرتعی متناسب با نوع دام و بالعکس
- ۸- لزوم توجه به جامعه دامداری متحرک (عشایر) و ضرورت بهبود سیستم بهره‌برداری آنان از مراتع و همچنین جنگل به مراتع و دام بیشتر وابسته است، زیرا تغییرات آب و هوایی ممکن است مراتع را به جنگل و یا جنگل‌ها را به مرتع تبدیل کند. البته دام‌ها از جنگل‌های با درختان کوچک نیز تغذیه می‌شوند این در حالی است که جنگل‌ها هیچ وابستگی به بخش زراعت ندارند مگر جنگل از بین برود تا به جای آن زراعت کشت شود پس می‌بینیم بین دام و جنگل و مرتع ارتباط نزدیکی وجود دارد تا زراعت. بنابراین می‌توان زراعت را در یک طرف و دام و مرتع و جنگل را در طرف دیگر قرار داد. در تقسیم این دو بین وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی، وزارت کشاورزی در زراعت وسعت کار بیشتر و متنوع‌تری نسبت به وزارت جهاد سازندگی دارد، اما در مورد دام و منابع طبیعی تنها وجود عشایر که ۱/۳ مراتع و ۱/۳ دام کشور را در دست دارند بیانگر توانایی و تجربه وزارت جهاد سازندگی است. پس با تقسیم زراعت به وزارت کشاورزی و دام و منابع طبیعی به وزارت جهاد سازندگی توزیع فعالیت‌ها جهت بهینه‌تری را به خود می‌گیرد. چنین تقسیمی نه تنها موجب کاهش وسعت کار وزارت کشاورزی می‌شود و زمینه را برای توسعه بخش زراعت که سالانه میلیون‌ها دلار ارز را صرف واردات محصولات آن می‌کنند، به وجود خواهد آورد، بلکه موجب بهبود وضع دام، مراتع، جنگل، و به دنبال آن کاهش صرف ارز به واردات گوشت، جلوگیری از پیشروی کویر، وسعت جنگل‌های کشور و افزایش درآمد ارزی ناشی از آن خواهد شد.